

مجمع آموزشی دکتر خیاطزاده			
سوالات امتحان ترم ۱ درس: نگارش	پایه هفتم	دوره اول متوسطه	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰
نام و نام خانوادگی:	مدت امتحان: ۷۵ دقیقه	تعداد صفحه: ۲ - تعداد سوال: ۴	ساعت شروع: ۱۰:۳۰ صبح

نمره کل دانش آموز به عدد:			نمره کل دانش آموز به حروف:		
ردیف	سوالات	نمره	ردیف	سوالات	نمره
۱	جمله‌های زیر که با زبان گفتاری نوشته شده‌اند را به زبان نوشتاری تبدیل کنید. الف) هر کی وارد شهر میشه می‌پرسه چخبره؟ ب) معلم دانش آموز را صدا زد و از آن خواست تا انشایش را بخواند. ج) زنبور در میان گل‌ها حرکت کردند.	۲			
۲	ضرب المثل «یک دست صدا ندارد» را گسترش دهید. 	۲/۵			
۳	حکایت زیر را در ۳ سطر بازنویسی کنید. (هم به زبان نوشتاری امروز و هم گسترش دادن) وقتی به جهل (نادانی) جوانی بانگ (فریاد) بر مادر زدم، دل آزرده (ناراحت) به کنجی نشست و گریان همی گفت: مگر خردی (کودکی) فراموش کردی که درشتی (داد و فریاد) می‌کنی؟ 	۱/۵			
	صفحه ۱ (ادامه سوالات در صفحه دوم)			نام دبیر و طراح سوال: جناب آقای مدرسزاده	

مجتمع آموزشی دکتر خیاطزاده			
سوالات امتحان ترم ۱ درس: نگارش	پایه هفتم	دوره اول متوسطه	تاریخ امتحان: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰
نام و نام خانوادگی:	مدت امتحان: ۷۵ دقیقه	تعداد صفحه: ۱ - تعداد سوال: ۴	ساعت شروع: ۱۰:۳۰ صبح
نمره کل دانش آموز به عدد: نمره کل دانش آموز به حروف:			
ردیف	پاسخ سوالات	نمره	
۱	جمله‌های زیر که با زبان گفتاری نوشته شده‌اند را به زبان نوشتاری تبدیل کنید. الف) هر کی وارد شهر میشه می‌پرسه چخبره؟ هر کسی وارد شهر می‌شود می‌پرسد چه خبر است؟ ب) معلم دانش آموز را صدا زد و از آن خواست تا انشایش را بخواند. معلم دانش آموز را صدا زد و از او خواست تا انشایش را بخواند. ج) زنبور در میان گل‌ها حرکت کردند. زنبورها در میان گل‌ها حرکت کردند.	۲	
۲	ضرب المثل «یک دست صدا ندارد» را گسترش دهید. علی در تیم فوتبال مدرسه عضو بود و آن‌ها تیم خیلی خوبی داشتند و همه، آن‌ها را مدعی قهرمانی می‌دانستند. اما هنگامی که مسابقات شروع شد، بازی نخست را به تیم حریف باختند. در پایان بازی مربی وارد رختکن شد و بچه‌ها را آرام کرد و گفت تیم ما بسیار تیم خوبی است؛ اما امروز به خاطر انفرادی بازی کردن شما باختیم. درحالی‌که فوتبال یک بازی گروهی است. بنابراین یک نفر نمی‌تواند نتیجه را رقم بزند؛ همانطور که گفته‌اند یک دست صدا ندارد. پس در بازی‌های بعد جبران خواهیم کرد.	۲/۵	
۳	حکایت زیر را در ۳ سطر بازنویسی کنید. (هم به زبان نوشتاری امروز و هم گسترش دادن) وقتی به جهل (نادانی) جوانی بانگ (فریاد) بر مادر زدم، دل آزرده (ناراحت) به کنجی نشست و گریان همی گفت: مگر خردی (کودکی) فراموش کردی که درشتی (داد و فریاد) می‌کنی؟ جوانی به خاطر تذکر مادرش به خاطر کار اشتباه او از روی نادانی بر سر مادر خود فریاد زد و مادر او بسیار ناراحت شد و در گوشه ای نشست و درحالی‌که بغضش شکست و گریه می‌کرد به فرزندش گفت مگر تو زمان کودکی خود را فراموش کرده‌ای که اکنون در بزرگسالی بر سر من فریاد می‌زنی؟ مگر فراموش کردی که زمانی که تو ناتوان بودی، من با مهر و محبت تو را بزرگ کردم و اکنون بر سر من فریاد می‌زنی؟	۱/۵	
۴	از میان موضوع‌های زیر یکی را انتخاب و برای آن انشایی حداقل در ۱۰ سطر بنویسید. الف) داستانی از زبان یک درخت ب) نامه‌ای به خدا ج) ایران، سرزمین چهارفصل موضوع: نوشتن متن انشا بر اساس اصول آموزش داده شده در کلاس و تمرین‌هایی که انجام شده است.	۱۴	
	صفحه ۱ (صفحه پایانی)	نام دبیر و طراح سوال: جناب آقای مدرسزاده	مجموع نمره ۲۰